

نگرشی بر جامعیت قرآن از روزه تربیت عقلانی

علیرضا زکی زاده رنانی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۵

فاطمه طائبی اصفهانی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۱۰

چکیده

نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تبیین تربیت عقلانی قرآنی و بیان نظر قرآن در جمع کردن میان دین و عقل به مبحث جامعیت نگاه نموده است. در حقیقت قرآن با روش‌های متعدد به پرورش اندیشه در مخاطبین ذوی العقول توجه نموده است. این کتاب سراسر حکمت، نه عقل‌گرایی افراطی را می‌پذیرد و نه عقل‌ستیزی را؛ تربیت عقلانی قرآنی معطوف به وسیع‌ترین مخاطبان و با تمام جوانب عقلانیت می‌باشد. در این پژوهش تربیت عقلانی در هر سه بعد عقلانیت مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد در قرآن همه این اقسام مورد تربیت واقع شده است. عقلانیت بنیادین با استدلالات و براهین قرآنی و عقلانیت ارزش‌ها با انتقادات به بینش‌ها و روش‌های نادرست و ارائه نمونه‌های اخلاقی والگوه‌های عملی و عقلانیت ابزاری با شرایط خاص خود مورد توجه تربیت قرآنی بوده است؛ که این مسأله مصداق بارز جامعیت این کتاب شریف می‌باشد.

کلیدواژگان: تربیت عقلانی، تقابل عقل و دین، جامعیت، عقلانیت بنیادین.

مقدمه

یکی از مباحث مهم قرآن‌شناسی این است که آیا قلمرو قرآن حوزه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد؟ نظر اسلام و تفکر اسلامی در جمع کردن میان عقلانیت و دینداری را می‌توان یکی از مباحث جامعیت قرآن دانست (ر.ک: مطهری، ۱۳۵۸، ۲۱: ۴۶۱) قرآن مخاطب خود را فقط مسلمین یا مؤمنین نمی‌داند لذا در آیات بسیاری از دریچه عقلانیت به تربیت انسان‌ها می‌پردازد. در حقیقت مرتبی در قرآن همیشه گروه خاصی از انسان‌ها با نگرش فکری یا روانی معین نیستند که معطوف به آنان شود و از دیگر رویکردها و نگرش‌ها غفلت نماید. رایج‌ترین کاربرد تعلیم و تربیت بر عقلانیت یعنی پرورش اندیشه دلالت دارد. استدلال و عقلانیت و پرورش آن از دیر زمان به عنوان آرمان اصلی بعد عقلانی انسان از منظر فلسفه غرب و فلسفه تعلیم و تربیت در نظر گرفته شده است (علوی، ۱۳۹۳: ۴۵). ایدئالیست‌ها معتقدند مهم‌ترین عامل تربیت در هر سطحی این است که به مخاطب تفکر را بیاموزیم؛ زیرا اندیشیدن موجب تغییر زندگی خواهد شد و در اثر توسعه قدرت فکر کردن، به موجودات عالی‌تر و گرامی‌تر مبدل خواهند شد (همان: ۴۸). در دنیای غرب، تعلیم ارزش، به خصوص ارزش‌های دینی حمله تفکرات لیبرالیستی را به دنبال دارد چون آموزش ارزش نوعی تحمیل عقیده و شست‌وشوی مغزی قلمداد می‌شود (ساجدی و خطیبی، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۷). از طرف دیگر نهادهای دینی به خصوص کلیسا موجب تبدیل تربیت عقلانی به مفهومی متضاد با تربیت دینی شده است و جانب دین را گرفته‌اند. این مسأله در میان متفکران اسلامی نیز وجود دارد که برخی عقل را از دین جدا می‌دانند یا به تفسیر خاصی از عقل قائل‌اند که نهایتاً جدایی دین از عقل یا رها کردن یکی از دو طرف را در پی خواهد داشت (همامی و علی اکبر زاده، ۱۳۹۱). اما قرآن مسیر دیگری را که به جامعیت و شمول همه‌جانبه انسانیت و عقل‌مداری دین اسلام بستگی دارد، انتخاب نموده است.

پیشینه تحقیق

در زمینه جامعیت و تربیت عقلانی کتاب‌ها و مقالاتی وجود دارد که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب‌هایی مانند جامعیت قرآن (ایازی، ۱۳۸۰) اشاره کرد که به اثبات

جامعیت و تبیین نظرات مفسرین در این زمینه پرداخته است. علاوه بر آن می‌توان به کتاب «قرآن‌شناسی» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰) اشاره نمود که به مبحث جامعیت در آیات قرآن و نقد نظرات پیرامون آن اشاره نموده است. البته در این بین کتاب‌هایی هم وجود دارد که به صورت گذرا و اشاری از جامعیت یاد نموده‌اند؛ مانند «قرآن‌شناسی» آقایی فولادوند (فولادوند، ۱۳۸۰: ۴۱۰). در بین مقالات نیز می‌توان به مقاله «کیفیت جامعیت قرآن در پرتو آرای اندیشمندان و مفسران مسلمان» (حاجی و مهریزی، ۱۳۹۱) اشاره نمود که نظریه‌های ارائه‌شده پیرامون جامعیت، را بیان نموده‌اند. در زمینه تربیت عقلانی نیز می‌توان از کتاب «تربیت اسلامی» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶) نام برد که چند مورد از روش‌های ذکرشده در این کتاب را می‌توان در روش‌های تربیت عقلانی گنجانده هرچند ایشان ذکری از تربیت عقلانی در آنجا نداشته‌اند؛ یا مقاله «تربیت عقلانی» (علوی، ۱۳۹۳: ۴۵-۶۸) که به بیان چند روش تربیتی در جزء بیست و هفتم قرآن اشاره دارد. علاوه بر این کتب می‌توان به کتاب منزلت عقل در هندسه معرفت دینی اشاره نمود که به ذکر ادله بر فتوای به دخول عقل در هندسه معرفت دینی می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶) و نیز به مقالات متعدد در زمینه عقاید و نظرات مکتب تفکیک پرداخت که این گروه قائل به عقل‌برهانی نمی‌باشند (همامی و علی اکبر زاده، ۱۳۹۱). در این راستا مقاله حاضر به مبحث جامعیت قرآن از روزنه تربیت عقلانی نگریسته که تا کنون هیچ پژوهشی اینچنین سامان نیافته است؛ گفتنی است که دین اسلام یکی از بارزترین مبانی تربیت دینی را تربیت عقلانی معرفی نموده؛ بر این اساس، روش‌های تربیت عقلانی متنوعی که در آیات مطرح‌شده، مؤیدی بر جامعیت قرآن در حوزه مورد نظر است.

جامعیت

جامعیت مصدر جعلی است و از ریشه جمع گرفته شده و به معنای فراگیر بودن و شمول است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۹۰). جامعیت از واژگان نوپیدایی است که وارد حوزه علوم قرآنی شده است. در بین آثار گذشتگان عنوانی به این نام مورد بحث قرار نگرفته است، بلکه نظریات مربوط و مرتبط با این عنوان در ذیل مباحثی چون «علوم مستنبط از قرآن» مطرح گردید (سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵۸). مقصود از جامعیت قرآن،

«شمول و فراگیر بودن آیات و آموزه‌های آن نسبت به همه شئون زندگی بشر در تمامی دوران‌ها و اعصار» است (مؤدب، ۱۳۹۰: ۲۳۳). منظور از جامعیت قرآن این است که مجموعه رهنمودها و دستورات آن در همه زمینه‌هایی که به سعادت و خوشبختی ابدی او ارتباط دارد، کامل بوده و اگر آن دستورات نبود، انسان به هدف اصلی خود نمی‌رسید و عدم این رهنمودها نقضی برای دین تلقی می‌شد (ایازی، ۱۳۸۱: ۱۵). بنابراین، قرآن برای همه انسان‌ها و همه مکان‌ها و همه زمان‌ها و برای همه امور زندگی بشر، اعم از امور فردی و اجتماعی نازل شده است.

درباره جامعیت قرآن حداقل دو آیه وجود دارد که به طور مشخص اشاره به آن دارد: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل / ۸۹) «و این کتاب را که روشن‌گر همه چیز است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گر است، بر تو نازل کردیم»

قرآن تبیان و بیان برای هر چیزی است و چون قرآن کریم کتاب هدایت برای عموم مردم است لذا ظاهراً مراد از "لِكُلِّ شَيْءٍ" همه آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت باشد. از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۳۲۲).

در این آیه بر جامعیت و بیانگری قرآن تأکید شده و بیانگری قرآن یعنی کمبودی در بیان مطالب ندارد، و بیانگر کلیه مسائلی است که جزو معارف دین است.

﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام / ۳۸)

«ما چیزی را در کتاب فروگذار نکردیم»

یعنی در قرآن تفریط و کوتاهی نشده، بدین معنا که چیزی نیست که بیان آن لازم باشد و ما در امر آن کوتاهی کرده باشیم، پس کتاب ما تام و کامل است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۱۱۵)؛ پس قرآن از چیزی فروگذار نکرده است و تمام اموری که به سعادت دنیا و آخرت مرتبط بوده را آورده است.

جامعیت قرآن را در محورهای گوناگونی می‌توان جست‌وجو نمود: جامعیت در مخاطبین که قرآن مخاطب ویژه ندارد؛ مخاطب قرآن گاهی انسان است و گاهی بنی آدم و گاهی ناس و گاهی بشر و گاهی ذوی العقول:

﴿إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُتُبِ نَذِيرٌ لِّلْبَشَرِ﴾ (مدثر / ۳۶)

﴿أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَ كَوْمَهُ وَمَنْ بَلَغَ﴾ (انعام / ۱۹)

﴿مَا هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (قلم / ۵۲)

جامعیت و فراگیری همه قلمروهای زندگی مانند قلمرو فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی که در همه موارد هدایتگری را قرار داده است. - فراگیری همه ابعاد وجودی انسان یعنی فطرت، عقل، غرائز، دل و عواطف؛ لذا در قرآن، هم معارف عقلی و اعتقادی هست هم اخلاق و هم احکام. - فراگیری همه مکان‌ها؛ چون انسان را بدون توجه به هر مرز نژادی یا جغرافیایی در نظر گرفته محدود به محیطی نمی‌شود و هیچ مرز جغرافیایی را نیز نمی‌پذیرد. - فراگیری همه زمان‌ها؛ زیرا مرز زمانی نمی‌پذیرد و فراگیر همه زمان‌ها است. - جامعیت و فراگیری نسبت به کتب ادیان پیشین. قرآن، همه آرمان‌ها و اصول ارائه‌شده در کتاب‌های پیامبران پیشین را در بر دارد. در قرآن آمده است:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ

وَعِيسَىٰ﴾ (شوری / ۱۳)

«آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر

تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم»

این آیه می‌رساند که قرآن مجید توصیه‌های پیامبران پیشین را نیز در بر دارد و نهایتاً جامعیت در تبیین همه اصول زندگی چه دنیوی و چه اخروی (عرفان، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

مفهوم شناسی تربیت عقلانی

۱. مفهوم شناسی تربیت: واژه تربیت هم از ریشه «ربو» و «ربب» و در باب تفعیل آمده است که به معنای زیادت و فزونی است (راغب، ۱۴۱۲ق: ۳۴۰). ربا نیز از آن رو که زیادتی بر اصل مال است، بدین نام خوانده می‌شود (باقری، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۱). البته برخی افراد قائل‌اند که صرف نظر از اینکه ریشه تربیت را ربب در نظر بگیریم یا رب، در ماده این دو شباهت‌هایی وجود دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۴۰۱؛ گروهی از نویسندگان،

۱۳۹۰: ۲۵). در قرآن، مفهوم تربیت (از ریشه ربو) چندان مورد توجه نمی‌باشد و با تفحص در این واژه و موارد استعمال آن در قرآن، اصطلاحاً تربیت اسلامی را نمی‌توان تبیین نمود؛ زیرا در مواردی که این کلمه در رابطه با انسان به کار رفته، عمدتاً مفهوم رشد و نمو جسمی مراد بوده است (باقری، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۲؛ باقری، ۱۳۸۹: ۱۰۱). در مقابل، علی‌رغم دامنه محدودی که کلمه تربیت از ربو داشت، ماده ربب و استعمال و مشتقات آن در رابطه با انسان، موارد متعددی را به خود اختصاص داده است. «ربب» دو عنصر معنایی دارد: مالکیت و تدبیر. پس رب به معنی مالک مدبر است (باقری، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۳).

۲. مفهوم شناسی «عقلانیت» و «تفکر»: عقل نقیض جهل بوده (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۵۹) و به وسیله‌ای که شتر را با آن می‌بندند، «عقال» گفته می‌شود؛ چون شتر را از حرکت باز می‌دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۲۵). *راغب اصفهانی* عقل را چنین تفسیر می‌کند: القدرة المتهیئة لقبول العلم وفقدؤها یرفع التکالیف الشرعیة (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۷۷): نیرویی است که آماده پذیرش علم است و نبودن آن تکالیف شرعی را از انسان برمی‌دارد. عقل در لغت شناسی و در کاربردهای قرآنی به معنای فهم و معرفت است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۸). عقل انسانی قوه‌ای از قوای نفس انسانی است که کارش تفکر، رویت، نطق و تمییز است (نجاتی، ۱۳۸۵: ۱۱۱؛ اخوان الصفا، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۴۸۲). قوه مفکره مرحله‌ای است که ادراک حسی به ادراک عقلی مبدل می‌شود (همان). عقل عملی قوه‌ای است که معقولات عملی حاصل از تجربه را می‌پذیرد یعنی ایجاد صورت‌های خیالی از راه فکر و استنباط (نجاتی، ۱۳۸۵: ۲۳۶). عقل نظری قوه‌ای است که معقولات کلی را درک می‌کند. برای درک این معقولات ابتدا به حس و بعد به تخیل نیازمندیم (همان: ۲۳۷).

ابن سینا می‌گوید: بدان که انسان، دارای سه نوع ادراک است. (۱) با حواس پنج‌گانه که لمس و ذوق و شم و بصر و سمع است. (۲) منتزع از ماده است که آن را مخیّل و موهوم خوانند. (۳) معقول است و از راه عقل ادراک آن حاصل می‌شود (ابن سینا، ۱۳۸۳: ۳-۴). در نهایت مفهوم عقل از حیث معقول و مدرک آن به سه دسته تقسیم می‌شود: (۱) عقلانیت بنیادین: که شناخت فلسفه زندگی و تنظیم رابطه انسان با جهان و خدای متعال را عهده دار است؛ (۲) عقلانیت ارزش‌ها: که معماری نظام ارزشی و اخلاقی و تنظیم

مناسبات هنجاری انسان را بر عهده دارد؛ ۳) عقلانیت ابزاری: که مهندسی، اندازه گیری، پیش بینی و تنظیم محاسبات معیشتی انسان برای نیل به رفاه مادی، شکوفایی اقتصادی و آبادی دنیوی را بر عهده می گیرد (رحیم پور ازغدی، ۱۳۸۸: ۸۲).

۳. مفهوم شناسی تربیت عقلانی: برای تعریف تربیت عقلانی، علاوه بر شناخت مفردات که صورت پذیرفت، به ترکیب آن باید توجه نمود. تربیت عقلانی، آموزش اندیشیدن است نه اندیشه. زیرا تفکر مسأله اساسی تربیت است (شریعتمداری، ۱۳۸۹: ۹). امروزه بر پرورش مهارت‌های اندیشیدن سفارش شده است، نه انتقال صرف دانش و اطلاعات. تربیت عقلانی به جای آموزش مفاهیم بر آموزش فهم تأکید دارد (ساجدی و خطیبی، ۱۳۹۲: ۲۶). پس تربیت عقلانی در الگوی اسلامی عبارت است از فرآیند رشد و شکوفاسازی ظرفیت‌های اکتسابی ذهنی و ارزش‌های عقلی نظری و عملی (ساجدی و خطیبی، ۱۳۹۲: ۲۷).

روش‌های تربیت عقلانی قرآن

جویندگان حقایق عقلی مطالبی را در قرآن می‌یابند که عقل آنان را ارضا می‌نماید، و زمانی که قرآن آن‌ها را در عرصه عقلیات به اعتماد بر دلیل و برهان فرامی‌خواند، توجه بیش‌تری به قرآن مبذول می‌دارند. علاوه بر آنکه بسیاری از خطاب‌های قرآنی متعلق به عقلا و متفکرین و صاحبان اندیشه‌ها است. این سخن عباس محمود العقاد مؤید نظر ما است که می‌گوید: از دیدگاه اسلام، کنکاش عقلی راهی است که از طریق آن وجدان و قلب انسان به حقیقت می‌رسد، و اندیشیدن بابتی از ابواب هدایت است که به وسیله آن ایمان تحقق پیدا می‌نماید (قرضاوی و سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

روش‌هایی که در این مقاله ارائه می‌شود جامعیت قرآن در ارائه راهکارهای رشد و تربیت را نشان می‌دهد علاوه بر آن جامعیت نگرش قرآن به مخاطبین و بهره برداری از همه جوانب عقلانیت در تربیت را اثبات می‌نماید.

۱. تربیت عقلانیت بنیادین

شناخت فلسفه زندگی و تنظیم رابطه انسان با جهان و خدای متعال را عهده دار است (رحیم پور ازغدی، ۱۳۸۸: ۸۲) در براهین و استدلالات قرآنی مشهود می‌باشد.

۱-۱. استدلالات قرآنی

قرآن در ارائه مطالب و مبانی که مطرح می‌کند هم برهان و استدلال می‌آورد هم برای آنچه منکران انکار می‌کنند استدلال می‌خواهد:

﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره / ۱۱۱)

«بگو: اگر راستگو هستید، دلایل خود را ارائه بدهید»

همچنین وقتی آن‌ها فرشتگان را دختر خدا قلمداد می‌کنند قرآن می‌فرماید:

﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ﴾ (زخرف / ۱۹)

«و فرشتگانی را که بندگان خدای رحمان هستند مؤنث قلمداد می‌کنند،

مگر اینان شاهد آفرینش فرشتگان بوده‌اند؟»

کسی می‌تواند چنین شیوه‌ای را دنبال کند که خود عامل به آوردن استدلال و برهان باشد لذا قرآن چه در اثبات توحید و نبوت و معاد چه برای پاسخ به برخی شبهات منکران براهین متعددی را ارائه داده است که یکی از آن موارد در ادامه مطرح می‌شود:

برهان تمنع: در برخی آیات به وسیله روش عقلی و استدلال به انتقاد از افرادی که از راه حق دور شده‌اند یا سراغ راه حق نمی‌آیند پرداخته شده است. یکی از براهین عقلی کاربردی در قرآن برهان تمنع است که برای اثبات واجب الوجود و وحدت آن اقامه شده است. مستند این برهان در قرآن آیه:

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ (انبیاء / ۲۲)

«اگر در آن‌ها [زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت، قطعاً

[زمین و آسمان] تباه می‌شد»

می‌باشد. این برهان را می‌توان به شکل قیاسی استثنایی تنظیم کرد و با نفی تالی به انتفای مقدم رسید. قیاس به این صورت است که اگر در جهان چند خدا باشد حاصل آن تباهی و فساد است. لیکن جهان به تباهی و فساد کشیده نشده است، پس در جهان جز یک خدا وجود ندارد. دلیلی که برای توحید و نفی آلهه در آیه فوق، آمده است، در عین سادگی و روشنی، یکی از براهین دقیق فلسفی در این زمینه است که دانشمندان از آن، به عنوان "برهان تمنع" یاد می‌کنند، خلاصه این برهان را چنین می‌توان بیان کرد: اگر دو یا چند اراده در عالم حاکم بود، هر یک اقتضایی داشت و هر کدام اثر دیگری را خنثی

می‌کرد و سرانجام جهان به فساد می‌گرائید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۸۲-۳۸۱) لذا دلیلی که برای توحید و نفی آلّه در آیه فوق، آمده است، به روش برهان تمانع می‌باشد که یکی از براهین دقیق فلسفی است و انتقادی جدی بر منکرین صانع دارد زیرا لازمه حکومت دو یا چند اراده در عالم، فساد خواهد بود. در حقیقت قرآن به منکران هشدار می‌دهد که اگر دو یا چند اله در جهان باشد عالم دچار فساد و بی‌نظمی خواهد شد پس با برهانی فلسفی افراد را متوجه تالی فاسد این شرک تکوینی کرده و انتقادی جدی را مطرح می‌نماید.

۲-۱. تمثیلات قرآنی

قرآن هم مخاطبین با هوش و فراست را در ارائه مطالب در نظر می‌گیرد هم مخاطبین ساده‌تر لذا یکی از روش‌هایی که ارائه می‌نماید تمثیل و تنظیر است تا هر کس به فراخور ذکاوت خود از سفره قرآن برچیند. یکی از این مباحث توجه دادن به ضعف خدایان پوشالی در قالب تمثیل و تشبیه است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاذْكُرُوا لَهُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ۗ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حج / ۷۳ - ۷۴)

«ای مردم، مثلی زده شد. پس بدان گوش فرا دهید: کسانی را که جز خدا می‌خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند، هرچند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان برآید نمی‌توانند آن را بازپس گیرند. طالب و مطلوب هر دو ناتوان‌اند. قدر خدا را چنانکه در خور اوست نشناختند. در حقیقت، خداست که نیرومند شکست‌ناپذیر است»

و این مثلی که آیه مورد بحث از آن خبر می‌دهد، قول خداوند متعال است که می‌فرماید: اگر فرض شود که خدایان ایشان بخواهند یک مگس - که ضعیف‌ترین حیوانات است - بیافرینند، به هیچ وجه قادر بر آن نیستند، حتی اگر یک مگس چیزی از ایشان را بردارد نمی‌توانند از او بگیرند. این وصف، حال خدایان دروغین ایشان را در قدرت بر ایجاد و تدبیر امور، ممثل می‌کند که نه قادر بر خلق مگس هستند و نه قادر بر

آسان‌تر از آن، که عبارت است از پس گرفتن چیزی که مگس از ایشان ربوده و ضرری که به ایشان رسانده است، حال چنین خدایانی چگونه مستحق عبادت و دعا می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۷۸-۵۷۷)؟ در آیه فوق این انتقاد از مشرکان وجود دارد که چرا غیر خدا را می‌خوانند و برای بیان این انتقاد خداوند متعال به ذکر تمثیل پرداخته است که کسی که در برابر یک مگس عاجز است، لایق نیست پرستش شود. لازم به ذکر است این مثال گرچه در برابر مشرکان عرب ذکر شده، ولی با توجه به اینکه مخاطب این انتقاد با عبارت «یا أَيُّهَا النَّاسُ»، همه مردم جهان‌اند، اختصاصی به بت‌های سنگی و چوبی ندارد، بلکه تمام معبودهایی را که جز خدا می‌پرستند، اعم از فرعون‌ها و نمرودها و بت‌های شخصیت‌های کاذب و قدرت‌های پوشالی و مانند آن، در این مثال شرکت داده شده‌اند و آن‌ها نیز بر این مثال منطبق هستند، آن‌ها هم اگر دست به دست هم بدهند و تمام لشکر و عسکرشان را جمع و جور کنند و اندیشمندان و فرزانشان را دعوت کنند قادر به خلق مگسی نیستند، و حتی اگر مگسی ذره‌ای از سفره آن‌ها برگیرد توانایی بازگرداندن آن را ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۷۴). در نهایت باید گفت: اگر نفس انسان از شواغل مادی پاک شود و به کمال قوای نظری که ادراک معقولات است و کمال قوای عملی که غلبه بر بدن و اعتدال در رفتار اجتماعی است نایل آید، استحقاق دریافت شروق نور از عالم عقول و نور الانوار را پیدا می‌کند؛ این نور ابتدا، همچون برق خاطف، تند و گذرا بر او می‌تابد و ذوق و لذتی وصف ناشدنی را برای نفس به ارمغان می‌آورد و سپس به نسبت تکامل نفس، تابش این انوار هرچه پایدارتر و مداوم‌تر می‌گردد تا در نهایت به «نور طامس» مبتدل می‌شود، یعنی به نوری مبتدل می‌شود که بر اثر شدت و مداومت، همه تمایلات جسمانی و این جهانی را در نفس نابود می‌کند و «موت اصغر» یا موت قبل از مرگ طبیعی را برای انسان پیش می‌آورد (غفاری، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

۲. عقلانیت ارزش‌ها

که معماری نظام ارزشی و اخلاقی و تنظیم مناسبات هنجاری انسان را بر عهده دارد؛ (رحیم پور ازغدی، ۱۳۸۸: ۸۲) در قرآن در قالب‌هایی بیان شده که به دو مورد آن اشاره می‌شود:

۲-۱. ارائه الگوهای تربیتی

قرآن در لابه‌لای آیات به معرفی انسان‌های اسوه و تبیین رفتارهای آن‌ها می‌پردازد. مطالعه زندگی این الگوها در زمانه‌ای که نظریات الحادی مرتباً بر مغزها فرو می‌ریزد و افراد را بر سر دوراهی قرار می‌دهد، می‌تواند موجب هدایت و راهنمای سعادت انسان‌ها باشد (قاسمی ندوشن، ۱۳۷۹: ۱۰). قرآن در بیان و معرفی الگوهای قرآنی فقط به صفات دینی توجه نکرده بلکه برخی صفاتی که به وسیله عقل و با توجه به حسن و قبح ذاتی آن مورد توجه هر صاحب اندیشه‌ای است؛ نیز مورد توجه قرار گرفته است. صفاتی مانند پاسخ بدی با نیکی که در آیه ﴿وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ﴾ (رعد/۲۲)، مطرح شده است. ماده "درأ" به معنای دفع است، و در معنای آیه دو وجه است که یک مورد آن مورد نظر ما است. (یک) وقتی به گناهی تصادفاً آلوده می‌شوند این گناه را به وسیله کار نیک جبران نمایند که در مورد الگوهای قرآنی این وجه مورد نظر نمی‌باشد. (دو) گناهی که دیگران نسبت به ایشان انجام داده باشند مثل اینکه به ایشان ظلم کرده باشند را با عفو و احسان تلافی کنند، و یا به ایشان جفا کرده باشند ایشان به حسن خلق و گشاده‌رویی جبران نموده باشند، و یا منکری دیده و از آن نهی می‌نمایند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۴۴).

یکی از خصوصیات الگوهای الهی حفظ آرامش و خونسردی است که در قرآن برای اجرای این اصل در آیه توصیه دارد که در ذیل می‌آید:

﴿اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَ لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ (طه / ۴۳-۴۴)

«به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم

گویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد»

شروع تربیت و ارشاد باید از طریق گفت‌وگوی صمیمانه باشد. گام اول در امر به معروف و نهی از منکر، بیان نرم است. «فَقُولَ لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا» امیدها در نرمی است، و انتظاری از خشونت نمی‌رود. «قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۳۴۸). سپس طرز برخورد مؤثر با فرعون را در آغاز کار به این شرح، بیان می‌فرماید برای اینکه بتوانید در او نفوذ کنید و اثر بگذارید، با سخن نرم با او سخن بگوئید، شاید متذکر شود یا از خدا بترسد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۰۸).

﴿لَا فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ (حجر / ۷۵)

«به یقین، در این [کیفر] برای هوشیاران عبرت‌هاست»

یکی دیگر از ویژگی‌های مقتدا این است که ریزبین بوده و از شرایط مختلف عبرت بگیرد. «متوسّم»: شخص باهوشی است که در عقیده‌اش ثابت و در امور به دقت می‌اندیشد تا آنجا که به حقیقت امور پی ببرد. در واقع کلمه "توسّم" به معنای منتقل شدن از ظاهر چیزی به حقیقت و باطن آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۲۷۳). امام صادق (ع) می‌فرماید: مائیم اندیشمندان بافراست (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۳۸۲) و صفات دیگری که تفصیل آن در گنجایش این مقاله نمی‌باشد.

۲-۲. نقد درمانی

یک نظریه پرداز انتقادی تلاش می‌کند تا از طریق نقدهایی که در سطوح مختلف به عمل می‌آورد به نقد درمانی که در حقیقت دلیل قانع کننده‌ای در مقابل خود فریبی سیستماتیک است؛ به عموم مردم کمک کند (اسدیپور، ۱۳۹۳: ۷۲). دین اسلام نیز به صورت کامل و همه جانبه به آنچه در اصلاح جامعه اسلامی و مسلمانان دخالت دارد توجه کرده است، و هیچ گاه مردم را به خود واگذار نکرده است. یکی از راه‌های سلامت جامعه، اصل «انتقاد و نقدپذیری» است و از آنجا که قرآن کتاب زندگی است و همه راه‌های هدایت در آن تبیین شده است روش‌ها و اصول انتقاد در لابه‌لای آیات به تصویر کشیده شده است (طائبی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۴).

یکی از انتقادات قرآنی انتقاد به دنیاپرستی و هواپرستی عالم بی عمل در آیه ﴿وَأْتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾ (اعراف / ۱۷۵) است. در واقع در این آیه انتقاد به هواپرستی و دنیا پرستی بلعم باعورا است که نشانه بارز چنین اشخاصی این است که دل‌ها و چشم‌ها و گوش‌هایشان را در آنجا که به نفع ایشان است به کار نمی‌گیرند، و علامتی که جامع همه علامت‌ها است این است که مردمی غافل‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۴۳۳). او بر اثر شدت هواپرستی و چسبیدن به لذات جهان ماده، یک حال عطش نامحدود و پایان‌ناپذیر به خود گرفته که همواره دنبال دنیاپرستی می‌رود، نه به خاطر نیاز و احتیاج بلکه به شکل بیمارگونه‌ای همچون یک "سگ هار" که بر اثر بیماری هاری حالت عطش کاذب به او دست می‌دهد و در هیچ

حال سیراب نمی‌شود. این همان حالت دنیاپرستان و هواپرستان دون همت است که هر قدر بیندوزند باز هم احساس سیری نمی‌کنند.

امام رضا(ع) فرمود: بَلَعَمَ فرزند باعور، اسم اعظم الهی را می‌دانست و دعایش مستجاب می‌شد، ولی به دربار فرعون جذب شد و با آنکه در ابتدای کار، مبلغ حضرت موسی(ع) بود، ولی سرانجام علیه موسی و یاران او اقدام کرده و بد عاقبت شد(حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۴۱). آری، زرق و برق دنیا و دربار، عامل سقوط علما و دانشمندان است. اصولاً کم‌تر خطری در جوامع انسانی به اندازه خطر دانشمندانی است که علم و دانش خود را در اختیار فراعنه و جباران عصر خود قرار می‌دهند و در اثر هواپرستی و تمایل به زرق و برق جهان ماده، همه سرمایه‌های فکری خود را در اختیار طاغوت‌ها می‌گذارند، و آن‌ها نیز برای تحمیق مردم عوام از وجود اینگونه افراد حداکثر استفاده را می‌کنند. این جریان که دانشمندانی باشند که به راحتی فریب خورده، علم خود را در اختیار پادشاهان زورگو قرار دهند یا علم خود را در مواقع ضروری پنهان کنند، ادامه دارد و در غالب کفار عصر پیغمبر و بعد از آن ظهور کرده است(جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۲۴).

۳. عقلانیت ابزارری

که مهندسی، اندازه‌گیری، پیش‌بینی و تنظیم محاسبات معیشتی انسان برای نیل به رفاه مادی، شکوفایی اقتصادی و آبادی دنیوی را بر عهده می‌گیرد(رحیم پور ازغدی، ۱۳۸۸: ۸۲). تربیت عقل ابزارری نیز با شیوه خاص خود در قرآن وجود دارد.

۳-۱. عدم توقف در نعمت‌های دنیوی

البته در این مورد باید گفت گرچه راهکارهای تنظیم محاسبات معیشتی انسان برای نیل به رفاه مادی، شکوفایی اقتصادی و آبادی دنیوی وجود دارد لیکن ابزارری است برای نیل به سعادت اخروی و اگر کسی در مرحله اول متوقف شود طبق فرموده خداوند متعال بهره و نصیبی از آخرت نخواهد داشت.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾ (شوری/ ۲۰)

«هر که از اهل ایمان از رزق و نیازی که در دسترس او نهاده شده صرف آخرت نماید و برای خوشنودی پروردگار آن را به کار بندد روح و حیات به آن عمل دمیده می‌شود و آن عمل شروع به رشد و نمو نموده در عالم قیامت به صورت نعمت‌های جاودان ظهور خواهد نمود»

﴿وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾ (شوری/۲۰)

«هر که رزق و نعمت که پروردگار در دنیا دسترس او گذارده شود و او زندگی خود را محدود به دنیا می‌داند و به زندگی همیشگی و عقلانی خود ایمان ندارد و آن را انکار می‌نماید عمل او نیز دارای روح نبوده و اثر و حیات نخواهد داشت» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵: ۴۱)

همانطور که در آیه ﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ (نازعات/ ۳۷-۳۸) نیز بر این امر تأکید شده است. در این آیه دو صفت از اوصاف جهنمیان را معرفی می‌نماید. یکی (طغیان) اشاره به اینکه جهنمی کسی است که از حدّ خود تجاوز نماید و از اطاعت الهی سر پیچد و از حکم عقل و شرع بیرون رود چنین کسی طغیان نموده و وی را طاغی و یاغی گویند. وصف دوم جهنمیان این است که دنیا و حظوظ طبیعی را بر آخرت و حظوظات دنیوی را بر حظوظات روحانی و عقلانی برمی‌گزینند و ترجیح می‌دهند و آخرت را به دنیا می‌فروشند و عقل را پابند نفس قرار می‌دهند (امین، ۱۳۶۱، ج ۱۴: ۳۳۳).

۳-۲. توصیه به عاقبت اندیشی

استعمال فراوان واژه عقل و مرتبطات آن مانند «يعقلون» و «تعقلون» پنجاه و هشت بار و مشتقات فکر هفده بار در قرآن آمده‌اند، و کلمه «الباب» به معنای عقول، شانزده بار در قرآن ذکر شده است. این‌ها غیر از آیاتی است که کلمات و تعبیرات دیگری مانند نظر و اعتبار و تدبّر و حجّت و برهان و نهی و حکمت و علم و امثال آن را در بر دارند؛ مسائلی که جویندگان حقایق و معارف عقلی آن‌ها را در هیچ کتاب دینی غیر از قرآن نمی‌یابند (قرضاوی و سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۱۶). ﴿أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ که در آیات متعددی به کار رفته است بیانگر این است که هر عقلی می‌تواند محسنات و مقبّحات عقلی مانند خوبی

احسان و بدی ظلم را ادراک نماید (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸) و دستور به اندیشیدن و تفکر در ملکوت آسمان‌ها و زمین و آفریدگان خداوند، که به طور مستمر قرآن ما را به آن فرامی‌خواند:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُونَ﴾ (سبأ/ ۴۶)

«بگو: من شما را تنها یک نصیحت می‌کنم و آن این است که خالصانه برای خداوند دو به دو یا یک به یک از جای برخیزید (و اندیشه‌ها و دل‌های خفته را بیدار کنید و) سپس بیندیشید»

یا در آیات بسیاری بر این مسأله تأکید دارد که خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌نماید شاید که بیندیشید (بقره/ ۲۱۹). در سوره نحل آیات ۱ تا ۱۳ پس از ذکر نعمت‌های الهی می‌فرماید: همه این آفریده‌ها برای این است که از موجودات عالم طبیعت و از آنچه که در آسمان و زمین است و از موجودات عالم ارواح بهره ببرید و هر کسی که از راه میانه و اعتدال خارج شده و به راه ستم روی آورد به استعداد و کسب خودش مربوط است. سپس علت این همه نعمت را در سه بند مطرح می‌نماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ﴾: او همان خدایی است که برای تان آبی از آسمان فرو فرستاد (آب باران و برف) که هم از آن بنوشید و هم رستنی‌ها و جانداران بهره یابند، فیه تُسِيمُونَ: در آن مواشی و گوسفندانان را می‌چرانید. ﴿يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾: چون فرستادن آب و رویاندن نبات و درختان نشانه‌هایی است که احتیاج به تأمل و ترتیب مقدمات دارد فرمود: اینگونه نگرش ویژه اندیشمندان است، و طریق نگرش برای اندیشمندان پدیدار است. ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾: این‌ها آیت و نشانه الهی بودنشان فقط با عقل و درایت خردورز آن دریافته می‌شود و نیاز بر فکر و تأمل ندارد، چراکه دلالت این امور بر وجود خدا نسبت به فرود آوردن آب و رویاندن نبات ظاهر و روشن است. ﴿وَمَا ذَرَأْتُمْ فِي الْأَرْضِ﴾: خداوند آنچه را که برای شما مسخر نمود تا تحت فرمان شما باشد در زمین از موالید مانند معادن، انواع نباتات، گونه‌های حیوانات، عناصر و آنچه که در روی زمین از کوه‌ها، گودال‌ها و تپه‌های طبیعی است که مقصود از تسخیر، تحت فرمان قرار دادن آن‌هاست در همان جهتی که برای آن خلق

شده‌اند. ﴿مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ﴾ بر بیان اختلاف رنگ اکتفا کرده و اختلاف نوع و جهات ارتفاع را ذکر نکرده برای اینکه همان اختلاف رنگ بر دیده‌ها ظاهر است، و غالباً بر این منوال انواعی که در ذات گوناگون‌اند رنگشان نیز متفاوت است. ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ تنها عقل کافی نبوده و احتیاج بر تفکر صرف هم ندارد بلکه یادآوری عقلانی کافی است (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۹۴-۹۶).

همچنین در آیه ﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل/۶۷) می‌فرماید از میوه‌های درخت خرما و درخت انگور از زمانی که شکوفه دهد و رطب شود و تمر حتی هسته خرما (و الاعناب) از زمان غوره و عنب و زبیب و شیره خرما و شیره انگور و اقسام ماکولات و مشروبات از این دو درخت؛ یکی از آیات بزرگ خداوند است لکن کسانی که دارای عقل هستند و اهل فکر و تدبر و تأمل باشند و آثار قدرت الهی را در آن‌ها مشاهده کنند و اما کسانی که تمام این‌ها را مستند به طبیعت می‌دانند گویا عقل ندارند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۵۱). قرآن، عقل و اندیشه انسان را ترغیب و تشویق می‌کند که بر اساس حدس و گمان و تخمین و تبعیت از کشش‌های ناروا و تقلیدهای کورکورانه از آباء و اجداد یا بزرگان و رؤسا، مطالب را نپذیرند. ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا عِبْرَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن‌ها است به بازی نیافریدیم. خدا هر چیز را برای هدفی معین آفرید، هر اندازه که آن چیز در نظر انسان کوچک و ناچیز جلوه‌گر شود، پس آیا با وجود این امکان آن وجود دارد که پروردگار ما انسان را به تمامی بیهوده و عبث آفریده باشد؟! او در زندگی هدف دارد و در برابر پروردگارش در برابر هر چیز که انجام می‌دهد مسئول است، ولی این حقیقت آشکار در نزد جاهلان و گمراهان غامض و پیچیده می‌نماید. ﴿مَا خَلَقْنَاهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ آن‌ها را جز به حق نیافریدیم؛ که همان وسیله و هدف است. ﴿وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ولی بیش‌تر ایشان نمی‌دانند. ندانستن آنان به این سبب نیست که آیات راهنمای به این حقیقت را نمی‌بینند، بلکه برای آن است که این آیات در ذهن‌ها و ضمیرهای ایشان مبدل به بینش و بصیرت نمی‌شود، و سبب آن است که نگرش ایشان به زندگی نگرش قشری محض است، ولی کسانی که با بصیرت ایمان نظر کنند، به حق می‌رسند (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۴۵).

نتیجه بحث

به نظر می‌رسد در قرآن همه اقسام عقلانیت مورد تربیت بیان شده است. عقلانیت بنیادین با استدلالات و براهین قرآنی و عقلانیت ارزش‌ها با انتقادات به بینش‌ها و روش‌های نادرست و ارائه نمونه‌های اخلاقی و الگوهای عملی و توجه دادن به ارزش‌ها با هشدار به اندیشیدن در آن‌ها و عقلانیت ابزاری برای رسیدن به نعمات دنیوی. البته در مورد سوم باید گفت گرچه راهکارهای تنظیم محاسبات معیشتی انسان برای نیل به رفاه مادی، شکوفایی اقتصادی و آبادی دنیوی وجود دارد لیکن ابزاری است برای نیل به سعادت اخروی و اگر کسی در مرحله اول متوقف شود طبق فرموده خداوند متعال بهره و نصیبی از آخرت نخواهد داشت. قرآن با توجه نمودن به ذوی العقول و پرورش اندیشه با روش‌های متعدد، همچون دستور به اندیشیدن و تفکر، ارائه الگوهای تربیتی، استدلالات قرآنی، نه عقل‌گرایی افراطی را می‌پذیرد نه عقل‌ستیزی را؛ تربیت عقلانی قرآنی به وسیع‌ترین و جامع‌ترین مخاطبان معطوف است. خردورزی یکی از ارزش‌های بنیادین و نه نمادین تربیت اسلامی است. عقل در هندسه معرفتی اسلام منزلت و جایگاه مهمی دارد. اسلام، متدین متفکر می‌خواهد. چنین مسیری از جانب دین اسلام به معنای عرضه الگوی اسلامی با جامعیت قرآنی در رویکرد عقلانی بوده، که قالب هیچ یک از الگوهای رایج جهان بر قامت آن اندازه نیست.

کتابنامه

- ابن سینا. ۱۳۸۳ش، رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات، چ ۲، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار صادر.
- اخوان الصفا. ۱۴۱۲ق، رسائل اخوان الصفاء وخلان الوفاء، بیروت: الدار الاسلامیه.
- امین، سیده نصرت. ۱۳۶۱ش، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- ایازی، سید محمد علی. ۱۳۸۰ش، جامعیت قرآن، چ ۳، قم: کتاب مبین.
- ایازی، سید محمد علی. ۱۳۸۱ش، قرآن اثری جاویدان، رشت: کتاب مبین.
- باقری، خسرو. ۱۳۸۹ش، در آمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو. ۱۳۹۴ش، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، چاپ سی و نهم، تهران: انتشارات مدرسه.
- بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶ش، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ش، تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
- حکیمی، محمد رضا. ۱۳۸۰ش، الحیاة، احمد آرام، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خانی، رضا حشمت الله ریاضی. ۱۳۷۲ش، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۷۶ش، سیری در تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دار العلم - الدار الشامیه.
- رحیم پور ازغدی، حسن. ۱۳۸۸ش، عقلانیت بحثی در مبانی جامعه شناسی توسعه، تهران: طرح فردا.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۲۱ق، الإیتقان فی علوم القرآن، چ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- طباطبائی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴ش، ترجمه المیزان، موسوی همدانی، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طریحی، فخر الدین. ۱۳۷۵ش، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طیب، سید عبد الحسین. ۱۳۷۸ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- عرفان، حسن. ۱۳۷۹ش، اعجاز در قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- غفاری، سید محمد خالد. ۱۳۸۰ش، فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۰ق، کتاب العین، چ دوم، قم: انتشارات هجرت.
- فولادوند، محمد مهدی. ۱۳۸۰ش، قرآن شناسی، تهران: الست فردا.
- قاسمی ندوشن، حمید رضا. ۱۳۷۹ش، الگوهای تربیتی در قرآن، تهران: مؤسسه انتشارات آرمان.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، چ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- قرضوی، یوسف و عبد العزیز سلیمی. ۱۳۸۲ش، قرآن منشور زندگی، تهران: احسان.
- گروهی از نویسندگان. ۱۳۹۰ش، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- مترجمان. ۱۳۷۷ش، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۰ش، قرآن شناسی، چ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۵۸ش، مجموعه آثار استاد مطهری، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مؤدب، سید رضا. ۱۳۹۰ش، روش‌های تفسیر قرآن، قم: انتشارات مدرسه.
- نجاتی، محمد عثمان. ۱۳۸۵ش، علم النفس، ترجمه سعید بهشتی، تهران: رشد.
- هالفیش، هنری گوردون و فیلیپ اسمیت. ۱۳۸۹ش، فکر منطقی روش تعلیم و تربیت، ترجمه علی شریعتمداری، چ ۸، تهران: انتشارات سمت.

مقالات و پایان نامه‌ها

- اسدیپور، سارا و محمد مزیدی. ۱۳۹۳ش، «بررسی صورت‌های عقلانیت و کارکردهای آن در برنامه درسی»، پژوهش‌های برنامه درسی، شماره ۲، دوره چهارم.
- حاجی، حمزه و مهریزی، مهدی. ۱۳۹۱ش، «کیفیت جامعیت قرآن در پرتو آرای اندیشمندان و مفسران مسلمان»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۱۰.
- حسینی، سید معصوم. ۱۳۹۲ش، «جامعیت قرآن از نگاه علامه طباطبائی»، پژوهشنامه معارف اسلامی، ش ۱۴.

ساجدی، ابوالفضل و حسین خطیبی. ۱۳۹۲ش، «مفهوم تربیت عقلانی در سبک اسلامی تربیت دینی»، مجله معارف، شماره ۹۷.

طائبی اصفهانی، فاطمه. ۱۳۹۶ش، «آئین نقد و انتقاد در قرآن»، پایان نامه سطح ۳، جامعه الزهرا(سلام الله علیها).

علوی، سید حمید رضا. ۱۳۹۳ش، «تربیت عقلانی»، مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۹.

همامی، عباس و حامد علی اکبر زاده. ۱۳۹۱ش، «عقل و نقش آن در تفسیر از نگاه مکتب تفکیک»، پژوهش‌های دینی، ش ۲۴.

Bibliography

- Ibn Sina. 2004, A treatise in the truth and quality of the series of creatures and the sequence of causes, edition 2, Hamedan: Bu Ali Sina University.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokaram. 1414 AH, Arabic language, edition 3, Beirut: Dar Sader.
- Akhavan Al-Safa. 1412 AH. Rasael Akhavan Al-Safa Va Khalan Al-Vafa, Beirut: Al-Dar Al-Eslamiya
- Amin, Seyed Nosrat. 1982, The Reservoir of Mysticism in the Interpretation of Qur'an, Tehran: Muslim Women's Movement.
- Ayazi, Seyed Mohammad Ali 2001, comprehensiveness of Quran, Edition 3, Qom: Mobin book.
- Ayazi, Seyed Mohammad Ali 2002, Quran, an eternal work, Rasht: Mobin book.
- Bagheri, Khosrow 2010, Introduction to the Philosophy of Education of the Islamic Republic of Iran, Vol. 1, Second Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Bagheri, Khosrow 2015, A New Look at Islamic Education, Volume 1, Thirty-Ninth Edition, Tehran: Madrese Publications.
- Bahrani, Seyed Hashem. 1416 AH, Al-Borhan Fi Tafsir Al-Quran, Tehran: Besat Foundation.
- Javadi Amoli, Abdullah 2007, The Status of Reason in the Geometry of Religious Knowledge, Qom: Asra
- Javadi Amoli, Abdullah 2010, Interpretation of Tasnim, Qom: Asra
- Hosseini Hamedani, Seyed Mohammad Hossein 1404 AH, Anvar Derakhshan, Tehran: Lotfi Bookstore.
- Hakimi, Mohammad Reza 2001, Al-Hayat, Ahmad Aram, vol. 2, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Khani, Reza Heshmatullah Riyazi 1993, translation of the expression of happiness in the authorities of worship, Tehran: Payame Noor University Press.
- Delshad Tehrani, Mostafa. 1997, A View in Islamic Education, Tehran: Zekr Publishing and Research Institute.
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad. 1412 AH, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Damascus - Beirut: Dar Al-Alam - Al-Dar Al-Shamiya.
- Rahimpour Azghadi, Hassan. 2009, Rationality, an Issue in the Fundamentals of the Sociology of Development, Tehran: Tarhe Farda.

- Siouti, Jalaluddin 1421 AH, Al-Etqan in the sciences of the Qur'an, V II, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1995, translated by Al-Mizan, Mousavi Hamedani, Ch. 5, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association .
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1417 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, V 5, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
- Tarihi, Fakhruddin 1996, Majma Al-Bahrain, Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Tayyib, Sayyid Abdul Hussein. 1999, Atib al-Bayyan Fi Tafsir al-Quran, V II, Tehran: Islam Publications.
- Irfan, Hassan 2000, Miracle in the Holy Quran, Tehran: Office of History and Islamic Studies.
- Ghaffari, Sayed Mohammad Khalid 2001, Dictionary of Terms of Sheikh Ishraq's Works, Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad 1410 AH, Kitab al-Ain, V II, Qom: Hejrat Publications.
- Fooladvand, Mohammad Mehdi 2001, Quranology, Tehran: Alsat Farda.
- Ghasemi Nadooshan, Hamid Reza. 2000, Educational Patterns in the Quran, Tehran: Arman Publishing Institute.
- Qaraati, Mohsen 2004, Tafsir Noor, V 11, Tehran: Cultural Center of Quranic Lessons.
- Qorashi, Sayyid Ali Akbar. 1992, Quran Dictionary, V 6, Tehran: Islamic Bookstore.
- Qarzavi, Yusef and Abdul Aziz Salimi. 2003, Quran, Manifesto of Life, Tehran: Ehsan.
- A group of writers. 2011, Philosophy of Islamic Education, Tehran: Madrese Publications.
- Translators. 1998, Interpretation of Hedayat, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi 2001, Quranology, V II, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Motahari, Morteza 1979, Collection of Master Motahhari, Tehran: Sadra.
- Makarem Shirazi, Nasser 1995, Sample Interpretation, Tehran: Islamic Bookstore.
- Moadab, Seyed Reza 2011, Methods of Quran Interpretation, Qom: Madrasa Publications.
- Nejati, Mohammad Osman 2006, Psychology, translated by Saeed Beheshti, Tehran: Roshd.
- Halfish, Henry Gordon and Philip Smith. 2010, Rational Thought of Education Method, translated by Ali Shariatmadari, V 8, Tehran: Samt Publications.

Articles and dissertations

- Asadpour, Sara and Mohammad Mazidi. 2014, "Study of the forms of rationality and its functions in the curriculum", Curriculum Research, No. 2, Volume IV.
- Haji, Hamzeh and Mehrizi, Mehdi. 2012, "The quality of the comprehensiveness of Qur'an in the opinions of Muslim thinkers and commentators", Quarterly Journal of Quranic Studies, Vol. 10
- Hosseini, Seyed Masoom 2013, "The comprehensiveness of Qur'an from the perspective of Allameh Tabatabai", Journal of Islamic Studies, Vol 14.
- Sajedi, Abolfazl and Hossein Khatibi. 2013, "The concept of intellectual education in the Islamic style of religious education", Journal of Education, No. 97.
- Taebe Isfahani, Fatemeh. 2017, "The Rite of Criticism in the Qur'an", Level 3 dissertation, Al-Zahra Society (peace be upon him).
- Alavi, Seyed Hamid Reza 2014, "Rational Education", Journal of Islamic Education Research, Vol 9.
- Homami, Abbas and Hamed Ali Akbarzadeh. 2012, "Reason and its role in interpretation from the perspective of the school of segregation", Religious Studies, Vol.

A View on the Comprehensiveness of Qur'an through Rational Education

Alireza Zakizadeh Renani

Assistant Professor, University of Isfahan

Fatemeh Taebi Isfahani

Student level 4 of seminary

Abstract

The present article has looked at the issue of comprehensiveness with a descriptive-analytical method for explaining the Qur'anic rational education and expressing the Qur'an's view in combining religion and intellect. In fact, Qur'an has paid attention to train thought in the audiences in various ways. This book, throughout wisdom, accepts neither extreme rationalism nor anti-rationalism; Quranic rational education is focused at the widest audience and with all aspects of rationality. In this research, rational education has been studied in all three dimensions of rationality. It seems that all these types have been trained in the Qur'an. Fundamental rationality with Qur'anic arguments and rationality of values with criticism of incorrect insights and methods and presentation of moral examples and practical models and instrumental rationality with its special conditions have been considered by Qur'anic education; This is a clear example of the comprehensiveness of this noble book.

Keywords: rational education confrontation of intellect and religion comprehensiveness fundamental rationalit.